



## راه رفتن روی لبه تیغ



هدی برهانی

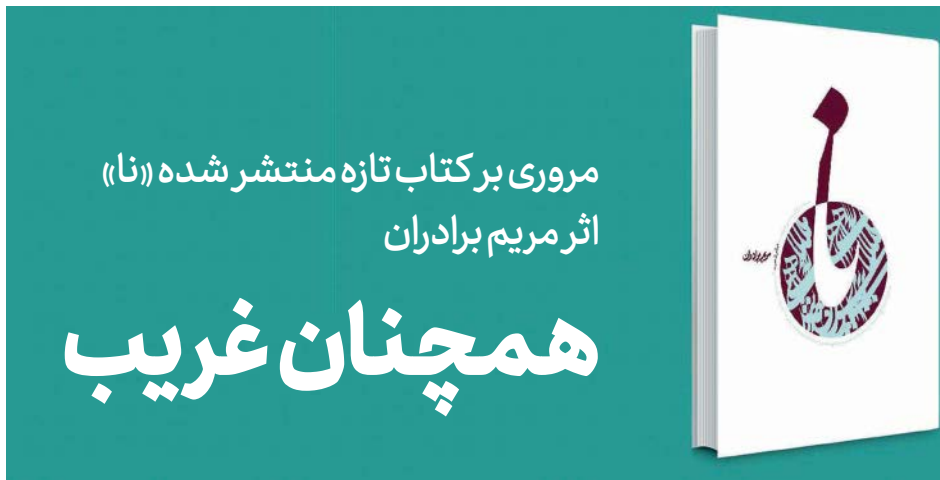
آموزگار

🔗 یکی دو سال پیش بعد از نمایشگاه کتاب، تب «دنیای سوفی» افتاد بین بچه‌ها. طوری که هر سه نسخه کتابی که مدت‌ها بود در کتابخانه مدرسه خاک می‌خورد بدون هواخور به امانت گرفته می‌شد. و بچه‌ها با ذوق و شوق توی راهروهای مدرسه درباره اسامی فیلسوفان و اصطلاحات فلسفی و چیزهایی از این دست گفت‌وگو می‌کردند.

بچه‌ها دوست داشتند کتاب‌های فلسفی بیشتری بخوانند و از طرف دیگر خواندن کتاب‌های فلسفی مثل راه رفتن روی لبه تیغ بود. انتخاب‌های دقیق لازم داشت و اطلاعات کافی. چیزی که شاید آن روزها علاوه بر بچه‌ها من هم نداشتمش. من در مدرسه ریاضی خوانده بودم و در دانشگاه هم پشت میزهای کلاس‌های مهندسی می‌نشستم، طبیعی و واضح بود که سر رشته‌ای در فلسفه نداشتم باشم! بنابراین با دوست فلسفه خوانده‌ام تماس گرفتم و از او خواستم به من چند کتاب فلسفی خوب معرفی کند تا با بچه‌ها در مدرسه بخوانیم. فهمش آسان باشد و فضایش مثل دنیای سوفی، برای بچه‌ها قابل لمس باشد. او لیست چندتایی‌ای از کتاب‌ها نام برد و بعد یکی یکی شرح مختصری برایشان ارائه کرد. از میان آن اسم‌ها و توضیحات، یکی برای من خیلی جذاب بود! «محفل فیلسوفان خاموش»! شاید چون در نگاه اول نامش من را به یاد «انجمن شاعران مرده» می‌انداخت. خیلی سریع آن کتاب‌ها را تهیه کردم و شروع کردم به خواندن. راستش کمی می‌ترسیدم از مواجهه بی‌محابای بچه‌ها با فلسفه. از همان ترس‌های قدیمی خانواده‌ها! یا حتی دعوای میان استادان بر سر حرمت فلسفه! نمی‌دانم. هرچه بود در عرض چهار روز تمام آن شش کتاب را خواندم در حالی که حس می‌کردم دیگر چیزی درون مغزم باقی نمانده! تمام فسفرها را سوزانده‌ام و به همه چیز و همه کس شك فلسفی دارم!

از آن شش کتاب دو تا کتاب خیلی برایم جذاب‌تر بود. یکی «دختر پرتقال» بود از یاستین گورد که بچه‌ها عاشق دنیای سوفی‌اش شده بودند و دیگری طبق انتظارم همان محفل فیلسوفان خاموش. تقریباً می‌توانم بگویم بهترین کتابی بود که تا آن زمان در حوزه فلسفه خوانده بودم. کتابی که پر بود از خلاقیت، علم و سؤال! خلاق بود چون شما را با نویسنده یا همان استاد فلسفه همراه می‌کرد، می‌برد توی کافه و پای درس استادان فلسفه قرون و اعصار مختلف می‌نشانند، چیزی که سال‌ها و شاید قرن‌هاست خیلی‌ها آرزوی تحقیقش را دارند. راستش را بخواهید محفل فیلسوفان خاموش برای من کتاب امنی هم بود. زیرا نویسنده در زمان نگارش کتاب و توضیح دادن مفاهیم فلسفی حواسش هست که مخاطبش نوری ۱۱ ساله‌ای است. بنابراین نه تنها خواندنش برای دختران نوجوان من خیلی جذاب بود، بلکه با زبان آنها اشتراکات فراوان داشت.

کمی بعد هر دو کتاب را به بچه‌ها معرفی کردم و صبر کردم باز هم شور و شوق فلسفی بچه‌ها به جنبش در بیاید! چیزی که برای تحقیقش زیاد منتظر نماندم. دوباره صف انتظار برای خواندن محفل فیلسوفان خاموش شکل گرفت. صفی که من را وسوسه می‌کرد اسمم را انتهایش بنویسم و یک بار دیگر موقع خواندن کتاب خودم را جای «پروفسور هوسله» بگذارم! 📖



### مروری بر کتاب تازه منتشر شده «نا» اثر مریم برادران

## همچنان غریب

این اشارات غالباً از بررسی بازخوردها و تعاریف دیگران از این آثار نبوده و خواننده هیچ‌گاه خواننده به کنه اهمیت آنها پی نخواهد برد. از آثار مهمی که بیشتر به حواشی آن مانند وضعیت چاپ، فروش و شهرت آنها اشاره شده می‌توان از فلسفتنا، اثر دوران جوانی شهید صدر نام برد. اثری با مخاطب عام و نه لزوماً تخصصی که در آن شهید صدر به نقد مکاتب فلسفی شرق و غرب به خصوص مارکسیسم پرداخته و ضمن ارائه دیدگاه اسلام در برابر سایر نظام‌های فکری. فلسفی، به قابلیت‌های دستگاه فکری اسلام پرداخته و بر ضرورت استفاده مسلمانان از این ویژگی‌ها و قابلیت‌ها برای مبارزه با عقب‌ماندگی‌ها تاکید کرده است. در همین راستا می‌توان به کتاب پژوهش‌های قرآنی شهید صدر اشاره کرد که در کنار فلسفتنا، دیگر کتابی است که می‌توان با مطالعه آن، بیشتر با دستگاه فکری و فلسفی شهید صدر آشنا شد. شهید صدر در این کتاب نظریات فلسفی خود را با مسائل اجتماعی پیوند داده و رنگ کاربردی بودن به آنها زده است. همچنین این کتاب دربردارنده نظریه تفسیری شهید صدر است که می‌تواند نقش بسزایی در تحول رویکرد تفسیری و پیشرفت آن به سوی نظریه پردازی و تولید علم دینی کند، فلذا از مهم‌ترین آثار این نابغه اسلامی به شمار می‌رود که باز هم در کتاب مورد بحث ما یعنی «نا»، کمتر اشاره‌ای به آن شده است. در انتها «نا» را کتابی می‌دانم موفق، در راستای هدف و البته رویکرد مورد نظر خود و اگر نقدی هست، مخاطب این نقد، پژوهشگاه شهید صدر (ره)، ناشر کتاب است که رویکرد مناسبی را اتخاذ نکرده است. مطلوب آن است که در بررسی زندگی شخصیتی علمی مانند شهید صدر که بی‌اغراق و به اعتراف بزرگ‌ترین‌ها، در ردیف برترین‌های تاریخ اسلام قرار دارد، وجه علمی ایشان کم‌رنگ‌تر از سایر وجوه ایشان مورد بحث قرار نگیرد. امیدوارم کتاب در چاپ‌های بعد با ویراست جدید عرضه شده و روایت‌های جذاب آن کامل‌تر شوند.

جای این جنس کتاب‌ها برای معرفت بیشتر به زندگی، زمانه، آثار و نظرات سایر اندیشمندان اسلامی خالی است. آثاری که به احوال، زمانه، سلوک فردی و اجتماعی و آثار هر اندیشمند بپردازند، چه با روایتی داستان‌گونه مانند «نا»، چه با روایتی داستانی شبیه اثر به یادماندنی مرحوم نادر ابراهیمی یعنی «مردی در تبعید ابدی» و چه غیر داستانی همچون کتاب «شرح صدر» که نیز موضوع آن شهید صدر، زندگی، آثار و احوال اوست. کتاب «هفت روایت خصوصی» که راوی برخی از بخش‌های زندگی امام موسی صدر است نیز نمونه‌ای است در اقلیت، و با کیفیت و خواندنی، از این جنس کتاب‌ها. 📖

🔗 چیزی از غربت شهید صدر کم نشده، هنوز و هر قدمی که برداشته شود به قصد قربت و زدودن غربت از چهره شاگرد خصوصی امیرالمومنین (ع) متبرک است و بر چشم.

«نا» ضمیر متصل متکلم مع‌الغیر است، همان که بر انتهای نام کتاب‌های شهید صدر نشسته بود و قبل از آن بر اندیشه او تکیه زده بود؛ عالم مسلمانی که خود را نه جدا که همراه مردم می‌دید. سپر بلایشان بود و پدر بود در دلسوزی، در تلاش. از اسلام و مسلمانان می‌گفت که اینها رای ماست در فلسفه، در اقتصاد، در اعتقادات.

«نا» قصه غربت مسلم وار شهید صدر است. غربتی که در میان قریب‌ترین شاگردانش داشت، در میان شهر خود، در میان مردم خود، مردمی که با او بیعت کرده بودند و در میان دوستان دیروزی که از ترس جان، روزهای آخر رهایش کرده بودند.

«نا» خواندنی است و دوست داشتنی. کتابی بسیار مناسب هدیه دادن که روایتگر بخش‌های خواننده شده و البته بخش‌های کمتر ورق خورده کتاب زندگی شهید صدر است، ولو با نقصان. این کتاب را می‌توان پله اول دانست برای ورود به عالم صدر. هرچند که به نظر می‌رسد این کتاب از ابتدا به قصد خلاصه‌گویی و آشنایی اجمالی نوشته شده، اما باز هم در موارد بسیاری این مرور گذرا و عبور سریع از بسیاری از اتفاقات زندگی شهید صدر که گاه اتفاقات مهم زندگی ایشان را شامل می‌شود اشکالی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید و دلیلی است که این کتاب را به جامعیت نمی‌رساند و همچنان در جایگاه مقدمه متوقفش می‌کند. مثال، ارتباط شهید صدر و امام خمینی و انقلاب اسلامی مساله‌ای است که بیش از این باید به آن پرداخته می‌شد. قبل از آغاز مطالعه کتاب امیدوارم بدم جمله معروف: «در امام خمینی (ره) ذوب شوید همان طور که او در اسلام ذوب شده است» را ببینم و بدانم این جمله چه زمانی و در چه جایگاهی بر زبان شهید صدر جاری شده است. مثال دیگری که باید در همین راستا به آن دقت داشت، جدی نپرداختن به آثار شهید صدر در این کتاب هست. نام و یاد دانشمندان و علما در تاریخ به یادگار نمانده مگر به واسطه آثار و عقایدشان. و شاید مهم‌ترین مسیر شناخت زندگی، دغدغه‌ها و اندیشه هر عالم مسلمان یا غیرمسلمان، از راه بررسی و غور در آثار او می‌گذرد. نادیده گرفتن این بخش مهم از زندگی هر دانشمند یعنی نادیده گرفتن رسالت زندگی او. هرچند که آثار این شهید عالی مقام در این کتاب مورد اشاره و بحث قرار گرفته‌اند، اما

محمدرضا معلمی

شاعر و نویسنده



این کتاب را می‌توان پله اول دانست برای ورود به عالم صدر. هرچند که به نظر می‌رسد این کتاب از ابتدا به قصد خلاصه‌گویی و آشنایی اجمالی نوشته شده



شناسنامه مالکیت، برگ سبز و تسلسل اسناد رسمی خودرو پراید صبا، مدل ۸۲، رنگ مشکی، شماره موتور 00631788 و شماره شاسی 1412282177066. به نام سعید نظری کویشاهی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

سند مالکیت، سند کمیاتی، سند قطعی منقول و سند وکالت فروش اموال منقول خودرو زانتیا، مدل ۸۸، رنگ سفید، شماره پلاک ۴۸م۱۱۲-۴۸م۱۱۲، شماره موتور 0049712 و شماره شاسی S1512287173934 به نام شادی عابدینی کالمرزی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

تمامی مدارک موتور سیکلت، مدل ۱۳۹۰، به رنگ نوک مدادی، شماره انتظامی ایران ۶۲۴-۵۳۴۷۸، شماره موتور NCW\*HA101445 و شماره تته NCW\*\*\*110E9020518 به نام وحید استکی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.